

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۳ جون ۲۰۱۴

شورای نظاری «شمشیری!!»

با احترام عمیق به مردمان وطن پرست و با شرافت پنجشیر!

دروود و هزاران درود بر یاد و خاطرات تابناک ۱۲۰ تن از جانب‌اختگان سامائی، در پیشاپیش آن‌ها زنده و جاوید «پهلوان احمد جان» که در پای زندان «چاه آهو» در ارتفاعات دره ریوت در پنجشیر به دستان نا پاک «مسعود» جلا در تبتائی با «آی. اس. آی.» پاکستان به شهادت رسیدند.

دروود و سلام بر رزمندگان پنجشیری که به خاطر دفاع از وطن در مقابل روس‌ها به شهادت رسیدند.

این است گور دستجمعی ۱۲۰ تن از جانب‌اختگان گمنام سامائی که توسط مسعود جلا و باندش در پنجشیر کشته شده اند.

<https://fbcdn-photos-f-a.akamaihd.net/hphotos-ak-xfp1/t1.0->

[0/s110x80/10306622_710507142345517_3319116025290745285_a.jpg](https://fbcdn-photos-f-a.akamaihd.net/hphotos-ak-xfp1/t1.0-0/s110x80/10306622_710507142345517_3319116025290745285_a.jpg)

تبصره:

(یک عده عناصر جاسوس، انجونیست و اپورتونیست و شورای نظاری تحت عنوان دفاع از مردم پنجشیر، کوشش دارند که مبارزات افشاء گرانه انقلابی ام را سمت و سوئی ملیتی بخشیده و موجب بدنامی ام شوند. نوشته‌های این قلم چنان آتشی را در جان این شیدان تاریخ شعله ور ساخته و چنان به تقلاء افتیده اند که از عتاب عنان گسیخته و همان است که اصلیت جاسوس منشانه خود را عریان می‌سازند، برچسب می‌زنند و اهانت می‌نمایند)!

زمانی که از انحصار طلبی، عظمت طلبی و ناسیونالیزم کور زیر عنوان «شمشیریزم» طبقه حاکم مردم پنجشیر صحبت می‌نمائیم این بدان معنی نیست که نفرت خویش را علیه مردم شریف پنجشیر در کلیت به نمایش می‌گذاریم. مردم شریف پنجشیر مردم زحمتکشی اند که همانند دیگر زحمتکشان و ستمکشان جامعه کوله بار گران ظلم و ستم طبقات ستمگر را بالای شانه‌های شان حمل کرده اند و شدیداً مورد استعمار و بهره‌کشی قرار گرفته اند. رهبران جاسوس، دزد، وطنفروش، آدمکش و بی‌فرهنگ «شورای نظار» همانندی احمد شاه مسعود جلا، عبدالله عبدالله جاسوس، قانونی فاشیست، فهیم و... اجنت‌های روسی و سگان تعلیمی «ک. ج. ب.» بودند و هستند و با «سیا»، «ام آی ۶»، «آی. اس. آی.» و ... همکاری نزدیک و روابط تنگاتنگ داشتند و دارند. این شیدان خاکفروش و ناموسفروش ابداً نمایندگان راستین خلق پنجشیر نبوده و نیستند، همانطوری که اجنت‌های سازمان «سیا» «ام آی ۶» و «آی. اس. آی.» ملای یک چشم، گلبدین راکتیار، شاه شجاع کرزی، متفکر بی‌فکراشرف غنی و خلیل زاد و... به هیچ وجه نمی‌توانند نمایندگان خلق پشتون و در کلیت نمایندگان مردم افغانستان باشند.

شئون نیزم طبقه ممتاز ملیت پشتون در بیشتر از دو قرن مصدر جنایات، خیانت ها و وطنفروشی شده اند، اما کارگران، زحمتکشان و اکثریت خلق های پشتون در مقابل استعمار بریتانیا ایستادگی نمودند و انگریز غدار را سه بار شکست مفتضحانه دادند. جنگ میوند تحت رهبری شیر دختر میهن شیران، «ملالی میوند» به قوای متجاوز و امپریالیستی انگلیس ضربات فاحش وارد ساخت و با جانفشانی ها و از خود گذری ها حماسه ها آفرید. در بستر خون و آتش جنگ میهنی علیه امپریالیسم انگلیس نطفه (نهضت مشروطه خواهان) گذاشته شد و پا به عرصه سیاست گذاشت و با مبارزات انتقادی شان از سیاست های شئون نیزم حاکم علیه استعمار انگلیس درفش مبارزه را بر افراشتند و به خاطر آزادی وطن و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی جان باختند. در زمان اشغال کشور توسط سوسیال امپریالیست های شوروی کران تا کران وطن را در زیر پا های چکمه پوشان فاشیست روسی به آتش سوزان مبدل ساختند و بیشتر از یک میلیون قربانی در راه آزادی وطن دادند. متأسفانه بعد از شهادت انقلابیون پنجشیری، مسعود جلا و باند منفورش «شورای نظار» با تحمیل سیاست های فاشیستی بر سرنوشت خلق پنجشیر رقم زد و در ۱۹۹۶-۱۹۹۲ میلادی خلق کابل را سلاخی نمود و کابل را به خاکستر یأس تبدیل نمود.

چهار سال حاکمیت غدارانه و فاشیستی مسعود و باند منفورش و خیانت ها و جنایات فراموش ناشدنی شان؛ با خیانتها و جنایات بیشتر از دو قرنه شئون نیزم پشتون قابل مقایسه نیست. اگر در زمان حاکمیت شئون نیزم پشتون گوشه هائی از قلمرو شیران و عقابان از دست رفت و به انگلیس ها واگذار گردید، در زمان حاکمیت غلام بچگان (شورای نظار) بیرق های ارتجاعی ایران، پاکستان، تاجیکستان و ازبیکستان در چهل و یا پنجاه کیلوتری قلمرو فعلی افغانستان برافراشته شد که تا به حال در اهتزاز می باشد. بالای افغان و افغانستان معامله ها صورت گرفت و ملک خوبان و عیاران به ده ها کشور خارجی فروخته شد. عبدالله عبدالله بار ها با مقامات بلند پایه پاکستان ملاقات های سری و علنی داشته و برای نظامیان پاکستان تعهد سپرده است که اگر رئیس جمهور شود خط تحمیلی (دیورند) را به رسمیت می شناسد. برای امپریالیسم و عده سپرده است که در صورت رئیس جمهور شدن یکی از اولویت های مهم کاری اش همانا امضاء نمودن سند تسلیمی افغانستان به ایالت متحده امریکا می باشد. نا گفته نماند که خلق پنجشیر و تمام خلق افغانستان به خاطر دارند که مسعود جلا در اوائل ۱۹۸۳ میلادی سند خود مختاری پنجشیر را با روس ها به امضاء رسانید و در اواخر ۱۹۸۳ میلادی معاهده تسلیم طلبی را با روس ها عقد نمود.

زمانی که از هزاره ایسم و چنگیزیسیم دهان به سخن می گشائیم، منظور ما از اکثریت زحمتکشان ملیت شریف هزاره نبوده بل از چغتای ها، هلاکو ها و چنگیز های مدرن هم چو عبدالعلی مزاری، عبدالکریم خلیلی، محمد محقق، اکبری، بلخی، کاظمی، سنگچاکی، مشتاق و... می باشد که در سال های ۱۹۹۶-۱۹۹۲ میلادی خاطره های زشت و هولناک چغتای، هلاکو و چنگیز را با میخ زدن بر فرق انسان ها، پاشیدن روغن داغ بر مغز انسان ها، کشتن کابلیان و ویران نمودن کابلستان زنده کرد.

به همین طور «گلم جم» نیز به باند وحشی و بی فرهنگ «دوستم» تحت عنوان «جنش... شمال» اطلاق می گردد که هیچ نوع ربطی به خلق های زحمتکش ازبیک و ترکمن ندارد.

افغانستان کهن با تاریخ پویا و پیشینه اش، جولانگاه چابک سوارانی بود که با مجادلات و حماسه آفرینی های شان شهره عالم گشتند و چه بسا با مبارزات رهانیبخش شان بزرگترین قدرت هائی نامور زمانه را شکست فاحش داده و سر های شان را در ادوار تاریخ خم ساختند. متأسفانه امروز میهن چابک سواران نامور، زادگاه شیران و آمو عقابان دستخوش بی ناموسی های یک عده از حرامزادگان و زنازادگانی قرار گرفته است که آگاهانه در صدد آنند تا افغانستان را تجزیه و آب به آسیاب امپریالیسم و ارتجاع بریزند. از آغاز دهه پنجاه خورشیدی به این طرف توطئه های خاینانه این نسل روسپیان دوره گرد برای فروش و تجزیه میهن تحت رهبری، « تره کی»، « ببرک»، « گلبدین»،

«احمد شاه مسعود»، «سیاف»، «ربانی» و سایرین آغاز شد و فاجعه بالای فاجعه آفریدند. اگر به تاریخ صد و اندی سال قبل کشور مان یک نظر سطحی بیندازیم متوجه می شویم که این افرادی بیمار، ننگ خلق های اصلی پنجشیر، در جنگ های افغان و انگلیس اصلاً وجود خارجی نداشتند و اگر می داشتند حتمی یک نفر و یا دو نفر به خاطر آزادی ملی تلفات می دادند تا تاریخ خرائین کشور اسم هائی شان را با خطوط طلائی می نوشت. این متحجران سادیست و مالیخولیائی تنها و تنها «مسعود»ی را که هرگز در مقابل روس ها ننگید، قهرمان ملی کشور و ناجی آزادی ملی تحمیل می دارند و چنان می انگارند که در کشور شیران و عقابان پنج تا ده هزار روباه های دم بریده شورای نظاری در مقابل روس ها جنگیدند و اکثریت نفوس کشور سیل بین بودند: زهی حماقت و خربت عریان!

در زمان تجاوز وحشیانه روس ها بر حریم میهن آزادگان من حیث عوامل روس ها در خدمت منافع استعماری روس ها در آمدند و علیه منافع علیای افغانستان قرار گرفتند. در سگ جنگی هائی ۱۹۹۶-۱۹۹۲ عیسوی کابلستان با برادران جهادی نوع ایرانی و پاکستانی شان، شهر زیبا و کهن کابل را به تل و انباری از خاک و خاکستر مبدل نمودند و ۷۵,۰۰۰ از ساکنان بومی اش را نا جوانمردانه کشتند. موزیم کابل را چور و چپاول نمودند، اردوی افغانستان را که دارنده ۲۵۰۰ عراده تانک، بیشتر از هزار فروند طیارات جنگی و..... بود بالائی ایران، پاکستان و تاجیکستان فروختند، اموال کابلیان را دزدیدند و به پنجشیر انتقال دادند و دو فروند طیاره مسافر بری آریانا را که به مبلغ شصت میلیون دالر خریداری شده بود به مبلغ پنج میلیون دالر بالای ایران به فروش رسانیدند و.....! آیا می شود تاریخ را به این آسانی فراموش کرد؟

بعزاز تسلیم شدن به «طالبان»، در سال ۱۹۹۶ میلادی به خواجه بهاءالدین و تاجیکستان فرار کردند. در ۲۰۰۱ عیسوی توسط امریکا و روسیه از موش خانه های شان بیرون کشیده شدند و من حیث ملیشه های اجیر در خدمت منافع استعمار در آمدند و استعمار نیز به خاطر خدمات خاینانه و ضد میهنی شان، دولت و حکومت افغانستان را در بست در اختیار شان تا به امروز قرار داد. پالان ها به دور انداخته شد و جایش را درپیشی و نکتائی گرفت و از نگاه سیاسی هم ۱۸۰ درجه ظاهراً گردش و چرخش نمودند و از دمکراسی و نهادینه شدن دمکراسی، جامعه مدنی و انتخابات شفاف نشخوار نمودن را آغازیدند، خود به مثابه مجریان «قانون» قانون اساسی دولت مزدور را تدوین و نافذ کردند و سوگند یاد نمودند که مطابق به ماده های «قانون اساسی» حرکت نموده و عمل می نمایند. در «انتخابات» فرمایشی و پر از تقلب و سازش، نخست در مقابل شاه شجاع «کرزی» شکست خوردند و اما با عف و جف نمودن دندان های خونین شان را نشان دادند و از کوه بالا شدن دهان به سخن گشودند؛ تو گوئی که پادشاهی و حکمرانی میراث اجدادی شان بوده و باید و حتمی رئیس جمهور باشند. در حال که مستثنی از ریاست جمهوری دیگر همه چوکی ها و مقام های بلند دولتی و حکومتی در اختیار عام و تام شان می باشد. بناءً یک اقلیت چند هزاری کشوری را که بیشتر از سی میلیون نفوس دارد به همکاری ارتجاع منطقه و استعمار جهانی به اسارت و گروگان گرفته اند و هر نقد و انتقاد باشندگان و فرزندان اصیل این مرز و بوم را مهر راسیزم زده و ناشی از افکار قبیله ئی می خوانند تا با این ترفند خاینانه به استثمار شدید اکثریت خلق های افغانستان ادامه دهند.

در انتخابات دوره اول ۱۳۹۳ خورشیدی در مقابل جاسوس و نماینده غرب، «اشرف غنی» و تیم آدمکش، وطنفروش و نا متجانسش، با تقلب گسترده، رشوت دادن، تهدید کردن، بستن و کشتن نتوانستند که به اصطلاح ۵۰+۱ را پوره کنند. در دوره دوم انتخابات فرمایشی در زیر سایه تجاوز ۴۳ کشور ارتجاعی و امپریالیستی، هر دو جناح جنگسالار، مجرمین جنگی، خاینان، ناموس فروشان و وطنفروشان به تقلب گسترده ای در ابعاد وسیع دست زدند. چون مردم از نیات پلید، ماهیت و بی ناموسی هائی «عبدالله عبدالله» برای رسیدن به قدرت سیاسی بیشتر آگاهی حاصل و درک نمودند که این تیم زنازادگان یک تیم قومی بوده و تنها برای منافع اقلیت شورای نظاری و وحدتی کار می کنند؛ بناءً مجبوراً

این بار به تیم «متفکر قرن»، «اشرف غنی» که هیچ نوع فکری برای رستگاری و رهائی مردم و میهنش نکرده و همیشه در خدمت منافع طبقات حاکم و ستمگر، ارتجاع و سرمایه بوده، به امید یک تیم «حامل وحدت ملی»، رأی دادند! هنوز شمارش آراء تمام نشده و نتیجه «انتخابات» خادمان ارتجاع و سرمایه اعلان نگشته است که ناگهان غلام بچه دلال، وطنفروش و ناموسفروش در تلویزیون ظاهر گشت و اخطار داد که اگر رئیس جمهور نشود دست به سلاح برده و چنین و چنان می کند!

نا گفته نماند که پلان توطئه «ظاهر ظاهر» قومندان امنیه ولایت کابل عضو (شورای نظار)، در منزل مخترع میخ کوبیدن بر فرق انسان یعنی «محمد محقق»، سگ دهن دریده ولایت فقیه ایران مهندسی و در روز «انتخابات» به مرحله اجراء گذاشته شد و «ظاهر ظاهر» با اخذ یک صد هزار دالر نقداً دست به این شعبده بازی زد. اگر مسأله میلیون ها دالر ثروت ها و سرمایه گذاری ها و آسمان خراش های محقق و عبدالله در میان نمی بود، توطئه ای که توسط «ظاهر ظاهر» به مرحله اجراء گذاشته و عملی شد؛ سر آغاز سگ جنگی دیگری می شد که از مردم عادی و بی گناه باز هم قربانی می گرفت. البته قبل از رفتن در «انتخابات» در زیر سایه تجاوز هر دو کاندید خاکفروش و میهنفروش تعهد سپردند که از «قانون اساسی» پیروی کرده و نتایج «انتخابات» را می پذیرند، اما غلام بچه «عبدالله عبدالله» شکست قطعی اش را حس می کند و به همان دلیل هر لحظه در تلویزیون ظاهر می گردد و وعو جدیدی را به راه می اندازد، چنگ و دندان نشان می دهد و تقاضا و خواست جدیدی را مطرح می سازد. طرفدارانش که اکثریت «شورای نظاری» بوده نیز خاموش ننشسته اند و با لاف ها و گزافه گوئی های خنده آور عکس چند عراده تانک را در فیسبوک به نشر می سپارند و عرعری می کنند که قدرت را به زور می گیرند و یا می نویسند که: طوفان در راه است و.....؟!!

اما این نطفه های حرام به یاد ندارند، زمانی که چند تا «طالب» ریشو هنوز به دروازه هائی کابل نرسیده بودند، اموک هائی شیر آغا رحیم پنجشیری، سبزه پنجشیری و تاجور پنجشیری با رهبر مفعول شان بز گوش بریده از بالای جیحون گذشتند و به دربار «امام علی رحمانوف» جبین سائیدند!!

امروز یک اقلیت پرازیتی غیر ملی، زنازاده، بی ناموس، حرامزاده، بی حیاء، بی آبرو، بی هویت و بی شجره، وطنفروش و معامله گر، سرنوشت سی و پنج میلیون انسان را به باد تمسخر گرفته اند و آنقدر تشنه قدرت اند که حاضراند در بدل رسیدن به قدرت؛ کشور آزادگان را صد پاره سازند تا اقلأ عطش قدرت طلبی های شان فرو بنشیند. در مقابل اکثریت مردم خاموش نشسته اند و با چشمان باز می نگرند که چگونه نسل دلالان و فواحش بالای سرنوشت خود شان و سرنوشت کشور محبوب شان معامله گری ها می کنند و اما حسرتا! دردا! اراده و غیرت از آنان سلب گشته است تا به پا خیزند و این نسل وطنفروش و ناموس فروش را در میان امواج متلاطم خشم شان نابود سازند و میهن را از لوٹ نجاست شان پاک نمایند.

شمشیریزم شورای نظاری با اتکاء به بادران خارجی شان هرگز قادر نخواهند گشت که بر بیثقه شیران و آموت عقابان حکمرانی نمایند و این آرزو را به گور خواهند برد. اگر استعمار از کشور بیرون رود، وای به حال نسل روسپیان! هموطن!

متحد شوید و صفوف تان را به دور یک گردان انقلابی برای به پاخاستن متحد سازید!

نه اشرف غنی علام و نه عبدالله عبدالله غلام!

نه خلقی، خادی و پرچمی!

نه جهادی، طالبان و تکنوکرات های وطنفروش و دزد!

به پیش به سوی سرنگونی قهری رژیم پوشالی و حواریون جنایتکار و وطنفروش شان!